



جهان
برابری
و
برادری

در موسم حج آینده، گویا قرار است با تشکیل اجلاس‌های از شخصیت‌ها وزعماء کشورهای اسلامی، تجدید عهد و پیوند معنوی بین ملل اسلامی بشود و مقدمه باشد برای اجلاس‌های عظیم نمایندگان دولتهای اسلامی که در اصطلاح این زمان «کنگره» نامیده میشود.

در شماره ۵۶ سال دهم نشریه علمی حقوقی و اجتماعی کانون سردفتران خلاصه و فشرده‌ای از کتاب «ارض النبوة» تألیف عالم جلیل حضرت آیة‌اله حاج میرزا خلیل‌کمره‌ای متع‌الله‌المسلمین بی‌قائه چاپ شده بود، با آنکه خلاصه بود، پرمعنی بود «**خیر الکلام** مائل و دل». این تألیف جلیل‌برای تقریب مسلمانان سودمند است چنانکه نظایر آن

هرچه بیش و بیشتر گردد فروغ و روشنی اسلام را بیشتر در آفاق جهان میپراکند. من خیال نمیکنم هیچیک از دیانت‌های مشهور و معروف جهان، بپایه و مایهٔ اسلام باشد، این اندیشه، خدای نخواستہ، ناشی از تعصب نیست. تعصب از جهل مایه‌گیرد و نعوز الله از جهل، بلکه بدلیل عقل و برهان است که اسلام همهٔ مسلمانان از امم مختلفه را ببرادری خوانده و در برادری، برابری در حقوق دانسته است، هیچیک از دیانت‌ها چنین حکمی و تعلیمی را نکرده است. رنجی که دنیای انسانی و جوامع بشری یعنی اکثریت انسانها می‌کنند، عمدهٔ آن از تبعیضات است. تبعیض مفهوم دیگری از ستم و ظلم است و ظلم از نابرابری حقوق و تجاوز بحقوق انسانی انسانهاست، تبعیض نژادی در اسلام محکوم شده است، جهان اسلام، جهان برابری و برادری است.

نگاهی بگذشته:

آنقدر که نویسنده مطالعه کرده‌ام در هیچ دوره از تاریخ بشری، ندیدیم ملل و قبایل و طوایف عربی باهم وحدت کلمه داشته باشند، مگر در همان نیمهٔ اول قرن هفتم میلادی و در ظهور اسلام و رهبری حضرت رسول اکرم، سرور انبیاء و اصفیاء محمد بن عبدالله صلی‌الله‌علیه‌وآله، و آنهم با چه خون دلی و چه پیکار عظیمی که با تأییدات الهیه موفق گردید شعوب و قبایل عربی را در شبه‌جزیرهٔ عربستان زیر پرچم اسلام متحد سازد، و متفق نماید و راه را برای اجرای رسالت آسمانی خود بمنظور رستگاری و سعادت بشرها، پیش پای مسلمانان بگشاید، اصل اول را در منشور انقلاب ربانی خود کلمهٔ لا اله الا الله اعلام کرد: «کلمه لا اله الا الله حصنی فمن دخل حصنی امن من عذابی»، هیچ بلندگو و فرستندهٔ قوی قویتر از بلندگوی اذان در جهان اسلام وجود ندارد که در عصر قدیم طنین ناقوس کلیساها را در آفاق شرق خاموش کرد و در عصر ما بر بال امواج رادیو بهمه آفاق جهان این اصل اول همه روز در پنج نوبت تکرار و تأکید میشود.

دکتر گوستاو لوبون جامعه شناس معروف فرانسوی در اثر معروف خود دربارهٔ تمدن بشری، اظهار میکند، «فکر توحید» بعد از افکار پرستش ارباب انواع و پرستش

مهر و ماه، بزرگترین و عالیترین فکری است که بشر توانسته است کرده باشد و ماورای آن از جهت پرستش و دین فکری دیگر وجود ندارد .

کارنامه بی نظیر :

کارنامه بی نظیر، قرآن کریم است، کارنامه بزرگ الهی است که حضرت رسول اکرم (ص) واسطه ابلاغ آن بجوامع بشری بوده است. قرآن و تعلیمات عالیّه آن منشور انقلاب اسلامی عصر خود بوده و این کتاب کریم مهمترین و محکمترین و زوال ناپذیرترین وسیله را بطه امام اسلامی است، در دنیای آشفته امروزی و افکار و عقاید پریشان، اندیشه‌های گوناگون و نابسامانیهای روانی و فکری که در جوامع بشری امروز هست. کدام مکتب دینی، فلسفی، سیاسی، اجتماعی و غیره است که چون قرآن، يك پنجم از تمام نفوس کره زمین را، بدنبال احکام و تعلیمات عالیّه خود، همچنان بر امرستگاری و سعادت بکشاند؟؟!

حضرت رسول اکرم، هنگامیکه دریافت که بسرای جاودانی رحلت خواهد کرد باصحاب که گرد بسترش مجتمع بودند وصیت فرمود: «انی ترکت فیکم کتاب الله و عترتی،» ما ترک زندگی رسول خدا، کتاب خدا و خاندانش بود، خاندانش بیدادگریها، ستمها، نارواییها را از جانب مخالفان، منافقان، منحرفان، متعصبان و اولاد و اعقاب بت پرستان زمان جاهلیت متحمل شدند، شهید دادند، اسیر دادند، از دنیا و مافیها چشم پوشیدند، تا ما ترک اول یعنی کتاب کریم، محفوظ بماند این درسی است. درس بزرگ و سرمشق فداکاری عظیمی است که خاندان نبوت و اهل بیت طهارت علیهم السلام بهمه مسلمانان داده اند که: باید قرآن کریم محفوظ بماند زیرا که همه چیز در قرآن است و موجودیت اسلام . بستگی بقرآن دارد.



آیا کدام يك از کتب آسمانی است که چون قرآن کریم، پاک از شک و ریب بدست بیروانش رسیده باشد؟ عهد عتیق یا عهد جدید؟ .. تاریخ قرن نوزدهم اروپا را بررسی کنید،

وبه‌یمنید در جوار ایجاد مکتبهای فلسفی و اجتماعی درباره عهد عتیق و جدید چه‌ها که نوشته‌اند و چه اردوگاه عظیمی از مخالف و موافق درست‌شده بود و همه درباره عهد عتیق و جدید شك داشتند! در عصر ما، بیشتر از گذشته، بویژه در همین فاصله ربع قرن اخیر از زمان جنگ دوم تا بحال چشم دنیا، دنیای دانش، و دانشمندان بی‌غرض و نویسندگان موشکاف بقرآن خیره مانده است

گوئی آن پرده ضخیم پنداری که جنگهای صلیبی جلوی چشم اعقاب شوالیه‌های کلیسا و سربازان مزدور آنها را پوشانده بود. جهش مترقیانه بشری و این خیر بزرگی که بعد از جنگ دوم جوامع انسانی برداشتند و با عقابهای آهنین بال بعرضه زندگی شرق اسلامی فرود آمدند، دریده شد، و نور الهی را که فقط در راهر و کلیساهای تاریک که پرتو شمعی در محراب آنها سوسو میزند، نیافته، بلکه در شرق اسلامی یافتند، نور محمدی (ص) و نور قرآن، از گلابدستون نخست وزیر لیبرال انگلستان در نیمه دوم قرن نوزدهم نقل میکنند، من ندیده‌ام ولی شنیده‌ام که گفته بود: تا زمانیکه قرآن در بین مسلمانان وجود دارد. غلبه بر آنها بر کسی مسلم نخواهد شد..» و باز در هیچیک از دوره‌های گذشته بعد از اسلام محققان و دانشمندان جهان که در خط شرق شناسی کار میکردند، با اندازه این يك ربع قرن اخیر درباره حضرت محمد (ص) و پیرامون زندگی حضرت رسول اکرم (ص) چیز ننوشته‌اند. و نه تنها خود مینویسند و تحقیق میکنند، بلکه آنچه هم که ما مینویسیم، بزبان خود نقل و ترجمه میکنند، تا مگر خوشه چین خرمن تحقیقات ماهم باشند.. و بعقیده من در این باره برای جهان دانش و مردان صاحب بینش، بگفته شیخ اجل سعدی علیه‌الرحمه:

در معنی باز و سلسله سخن دراز است ..»

همبستگی اسلامی :

همبستگی بین مسلمانان معدوم نیست، بلکه مفقود است. موجود است و بود است ولی نمودی ندارد، تالی فاسد آنهمه ضدیتها و دشمنیهای بنی‌امیه با خاندان نبوت باستانی «عمر بن عبدالعزیز» رضی‌الله‌عنه، و تالی فاسد آنهمه غدر و خیانتی را که بنی عباس با

بنی اعمام خود، نسبت به ذریه‌های رسول اکرم (ص) رواداشتند، و تالی فاسد آنهمه مخالفتهای سیاسی که سلاطین آل عثمان، با خاندان صفویه، سلاطین ایران داشتند، همین تشتت و تفرقه کلمه‌ایست که بین ملل اسلامی مشهود است. بعقیده من یکی از خدمات باارزش برای جمع کلمهٔ مسلمین. همان تأسیس «دارالتقریب» در قاهره بود که باز هم اسباب سربلندی ملت مسلمان ایرانست که یکی از عالمان جلیل‌القدر دین آفاشیخ محمد تقی قمی سلمه‌اله تعالی نقش مؤثر و عمدۀ را در سازمان دارالتقریب داشته و دارند، هر تلاش و کوششی که در اینباره بشود، برای جهان اسلام غنیمتی ارزنده است.

یقین است کوششی که اعلیحضرت ملک فیصل پادشاه جلیل کشور عربی سعودی در راه احیای همبستگی و پیوستگی اسلامی مینمایند، بسیار ارزنده‌تر است، زیرا در عصر ما تنها رابطهٔ اخوت دینی کافی برای اعتلای اسلام نیست، بلکه از این رابطه با ناظر بودن بتعلیمات عالیہ کتاب کریم باید زندگی جوامع اسلامی از تمام زوایای حیات مترقیانه عصر ما نگریسته شود، اسلام دین جمود فکری و یخ زدگی نیست، دین فطرت است، دین عقل است، و روش و یا باصطلاح «تاکتیک» پیشروی آن «حد وسط» است و باز هم باصطلاح امروزی «ایده‌ئولوژی» یا قبول حکمای قدیم «مثل اعلی» و «غایة مطلوب» آن. مافوق «ایسمی» از «ایسمهای» رایج و متداول عصر ماست. منشور اسلام، اصل است. اصالت الهی دارد. و این خود مهمترین وسیله و دستور عمل است که مسلمانان جهان میتوانند با ارشاد و هدایت بی‌شائبه متفکرین و دانشمندان و عالمان و خیرگان و کارشناسان خود همبستگی خود را که موجود است، نمودی عظیم ببخشند، شاید در هیچ عصر و زمانی مانند دوره حاضر دنیای محروم بشری، دنیای رنج‌دیده و استعمار زده بشری، دنیائی که در مرفی ترین کشورها هنوز تازیانهٔ تبعیضات نژادی روی گرده هم‌نگان و هم‌پوستان بلال حبشی بشدت فرود می‌آید، مستعد و آماده قبول تبلیغات اسلامی نباشد، این امر با کومه‌بینی، کومه فکری و جاه طلبی بعضیها که در شرق اسلامی خود را انقلابی، و بدروغ مرفی و بدروغ رهبر میدانند، میسر نتواند بود این عناصر

در حکم همان «شیطانی» هستند که عمرو بن هشام مخزومی معروف با بوجهل راهی میزد که بضدیت و دشمنی با محمد (ص) در فعالیت باشد این عناصر مسلمان نیستند و زخی اند، کسیکه روی سر مسلمانان یمنی بمب‌های مسموم کننده و آتشنا فروریزد نمیشود او را مسلمان نامید. کافر و شقی است و جای او درك الاسفل من السافلین است.

همبستگی و اتحاد کلمه اسلام و توسعه روابط و مناسبات آنها، در رشته‌های اقتصادی و فرهنگی و اجتماعی و توسعه همکاری تفاهم آنها هم در باره مسائل مورد علاقه ملت‌های خودشان هم مسائل مورد علاقه جهان اسلامی و هم اینکه تبادل نظر و فکر آنها درباره حل مشکلات و مسائل جهانی که بستگی با دنیای انسانی دارد، میتواند قوت و شوکت اسلام و اسلامیان را در استان هزاره سوم میلادی تجدید و اعاده کند.. امید است رهبران عالیقدر و قائدین بزرگ و اسلام پناه در این گامی که با توافق نظر در راه تقویت همبستگی اسلامی و تقریب امم مسلمان برداشته‌اند قرین توفیقات ربانی و تائیدات سبحانی باشند و با اعمال جلیل خود بجهانیان ثابت کنند که جهان اسلام جهان برای برادری و از مقاصد عالی و انسانی آن استقرار عدالت اجتماعی در همه جوامع بشری است.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

پرتال جامع علوم انسانی

طعنه برهنه مزین بصورت زشت

ای تهی از فضیلت و انصاف

تن بود چون غلاف و جان شمشیر

کار شمشیر میکند نه غلاف